



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی

مصطفی مستور

از

سمیه حاجتی

استاد راهنما

دکتر احمد رضی

استاد مشاور

دکتر علی تسلیمی

شهریور ۱۳۸۹

تقدیم به:

**مادر بزرگوارم که در تمام مراحل زندگی تکیه‌گاه و مشوق
من بوده است.**

تقدیر و تشکر

با سپاس فراوان از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان به ویژه آقای دکتر احمد رضی و آقای دکتر علی تسلیمی که بدون راهنمایی‌های ارزشمندشان این پایان‌نامه تدوین نمی‌شد.

فهرست مطالب

عنوان	شمارهٔ صفحه
فصل اول: کلیات	
۱-۱- مسئلهٔ تحقیق	۲
۲-۱- ضرورت و هدف تحقیق	۲
۳-۱- پرسش‌های اصلی تحقیق	۳
۴-۱- فرضیه‌های تحقیق	۳
۵-۱- روش تحقیق	۴
۶-۱- معرفی آثار مصطفی مستور	۴
۷-۱- قلمرو تحقیق	۵
۸-۱- ویژگی‌های داستان‌های مصطفی مستور در یک نگاه	۹
۹-۱- ارتباط چیست؟	۱۱
۱۰-۱- انواع ارتباطات	۱۳
۱-۱۰-۱- ارتباطات غیرکلامی	۱۴
۲-۱۰-۱- اهمیت روایت ارتباطات غیرکلامی در داستان‌ها	۱۴
۳-۱۰-۱- کارکردهای ارتباطات غیرکلامی	۱۷
۴-۱۰-۱- مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی	۱۸
۵-۱۰-۱- ویژگی‌های ارتباطات غیرکلامی	۱۹
۱۱-۱- پیشینه	۲۱
۱-۱۱-۱- علم ارتباطات	۲۱
۲-۱۱-۱- جامعه	۲۲
۳-۱۱-۱- ادبیات	۲۲
۱۲-۱- نتیجه‌گیری	۲۳

فصل دوم: حرکات و اشارات

- ۲-۱- حرکت اندامها ۲۵
- ۲-۲- ارتباط انسان با انسان ۲۶
- ۲-۲-۱- رفتارهای دست و پیامهای آنها در داستانها ۲۶
- ۲-۲-۲- رفتار پاها و مفاهیم آن در داستانها ۲۸
- ۲-۲-۳- رفتارهای سر و مفاهیم آن در داستانها ۲۹
- ۲-۴-۲- زبان عمل ۳۱
- ۳-۲- پیرنگ و کشمکش ۳۶
- ۴-۲- تعلیق ۳۷
- ۵-۲- ارتباط انسان با خدا ۳۸
- ۶-۲- ارتباط انسان با محیط ۳۸
- ۶-۲-۱- ارتباط انسان با طبیعت در داستانها ۳۸
- ۶-۲-۲- ارتباط انسان با ماشین در داستانها ۳۹
- ۷-۲- تمپو ۴۰
- ۸-۲- نتیجه‌گیری ۴۱

فصل سوم: رفتارهای چهره

- ۳-۱- رفتارهای چهره در داستانهای مصطفی مستور ۴۳
- ۳-۱-۱- روشهای کنترل حالات چهره ۴۳
- ۳-۱-۲- واکنشهای طبیعی چهره ۴۶
- ۳-۱-۲-۱- خنده ۴۶
- ۳-۱-۲-۲- گریه ۴۷
- ۳-۱-۲-۳- اخم کردن ۴۸
- ۳-۲- چند نشانه‌ی ظاهری چهره ۴۸
- ۳-۳- رفتار چشم ۴۹

۴۹ ۳-۳-۱ کارکردهای رفتار چشم
۵۱ ۳-۳-۲ انواع رفتارهای چشم
۵۸ ۳-۴-۴ نتیجه‌گیری

فصل چهارم: رفتارهای آوایی

۶۰ ۴-۱ رفتارهای آوایی
۶۲ ۴-۲-۱ آواسازی
۶۲ ۴-۲-۱-۱ مشخص‌کننده‌های آوایی
۶۴ ۴-۲-۲ وابسته‌های آوایی
۶۶ ۴-۲-۳ تفکیک‌کننده‌های آوایی
۶۶ ۴-۳-۳ سکوت و مکث
۶۸ ۴-۴-۱ لحن
۷۲ ۴-۵ نتیجه‌گیری

فصل پنجم: ظاهر فیزیکی و مصنوعات

۷۴ ۵-۱ ظاهر فیزیکی و مصنوعات
۷۴ ۵-۲ پیام‌های غیرکلامی شکل و اندازه بدن
۷۶ ۵-۳ لباس
۷۹ ۵-۴ مصنوعات و زیورآلات
۷۹ ۵-۴-۱ عینک
۸۰ ۵-۴-۲ زیورآلات
۵۰ ۵-۵ آرایش
۸۱ ۵-۶ پیام‌های غیرکلامی مو
۸۱ ۵-۷ خوراک
۸۳ ۵-۸ دخانیات
۸۵ ۵-۹ نتیجه‌گیری

فصل ششم: سایر مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی

۸۸	۶- سایر مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی
۸۸	۶-۱- بوم‌پایی
۹۰	۶-۲- زیبایی‌شناسی
۹۰	۶-۲-۱- رنگ
۹۲	۶-۲-۲- نور
۹۳	۶-۲-۳- موسیقی
۹۳	۶-۳- عطر و بو
۹۳	۶-۳-۱- بوزدگی
۹۴	۶-۳-۲- حافظه بویایی
۹۴	۶-۴- دما
۹۵	۶-۵- زمان
۹۹	۶-۶- فضا و فاصله
۱۰۱	۶-۷- بازخورد
۱۰۴	۶-۷-۱- مدل‌های ارتباطی در داستان «من گنجشک نیستم»
۱۰۷	۶-۸- لمس کردن
۱۰۹	۶-۸-۱- خود لمسی
۱۱۰	۶-۹- بافت ارتباطی
۱۱۲	۶-۱۰- نتیجه‌گیری
۱۱۴	- جمع‌بندی نهایی و پیشنهادها
۱۱۶	- منابع

فهرست جدول‌ها

۳۳	جدول شماره ۱: نمونه‌هایی از رفتارهای حرکتی در داستان «من گنجشک نیستم»
۳۴	جدول شماره ۲: نمونه‌هایی از رفتارهای حرکتی در «داستان استخوان خوک و دست‌های جذامی»
۳۵	جدول شماره ۳: نمونه‌هایی از رفتارهای حرکتی در داستان «روی ماه خداوند را ببوس»

- جدول شماره ۴: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در داستان «حکایت عشقی بی شین بی قاف بی نقطه» ۵۲
- جدول شماره ۵: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در مجموعه داستان «چند روایت معتبر» ۵۳
- جدول شماره ۶: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در مجموعه داستان «عشق روی پیاده رو» ۵۳
- جدول شماره ۷: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در مجموعه داستان «من دانای کل هستم» ۵۴
- جدول شماره ۸: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در داستان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» ۵۴
- جدول شماره ۹: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در داستان «روی ماه خداوند را ببوس» ۵۵
- جدول شماره ۱۰: تحلیل نمونه‌هایی از رفتارهای چشم در داستان «من گنجشک نیستم» ۵۶
- جدول شماره ۱۱: نمونه‌هایی از مشخص‌کننده‌های آوایی در داستان‌های مصطفی مستور ۶۳
- جدول شماره ۱۲: نمونه‌هایی از وابسته‌های آوایی در داستان‌های مصطفی مستور ۶۵
- جدول شماره ۱۳: نمونه‌هایی از سکوت و مکث و پیام‌های آنها در داستان‌های مستور ۶۸
- جدول شماره ۱۴: برخی از پیرایان‌ها در داستان «من گنجشک نیستم» ۷۰

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱: طبقه‌بندی ارتباطات انسانی ۱۳
- نمودار شماره ۲: گونه‌های ترکیبی اعضای متحرک یک رفتار ۳۱
- نمودار شماره ۳: میزان تأثیرگذاری نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در روایت در داستان‌های مصطفی مستور ۸۶
- نمودار شماره ۴: تحلیل محتوای الگوی ساده ارتباط غیرکلامی ۱۰۲
- نمودار شماره ۵: مدل ساده ارتباط بدون بازخورد ۱۰۳
- نمودار شماره ۶: مدل چرخشی همراه با نیمه بازخورد در فرایند ارتباط ۱۰۳
- نمودار شماره ۷: شخصیت‌های اصلی داستان «من گنجشک نیستم» بر اساس بیشترین حد رفتار غیرکلامی ۱۱۴

فهرست شکل‌ها

- شکل شماره ۱: اعضای متحرک رفتار ۳۲

ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور
سمیه حاجتی

یکی از راه‌های شناخت کیفیت آثار ادبی، بررسی آنها بر پایه نظریه‌ها و الگوهای علمی جدید است. ارتباطات غیرکلامی از حوزه‌های جدید مطالعاتی است که کلیه پیام‌هایی را که افراد با رفتارهای غیرزبانی مانند حرکات بدن، رفتارهای چهره، رفتارهای آوایی، نشانه‌های محیطی، مصنوعات و... منتقل می‌کنند شامل می‌شود. در این پژوهش داستان‌های مصطفی مستور از منظر ارتباطات غیرکلامی بازتاب یافته در روایت داستان‌هایش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و نشانه‌های غیرکلامی که مستور در داستان‌هایش استفاده کرده است شناسایی، طبقه‌بندی و معرفی می‌گردد همچنین نشان داده می‌شود که روایت غیرکلامی در شکل‌گیری عناصر داستان به ویژه شخصیت‌پردازی، لحن، صحنه‌پردازی نقش به‌سزایی دارند و روایت غیرکلامی در کنار روایت کلامی عمدتاً کارکرد تأکیدی، تکمیلی و جانشینی در داستان‌ها دارند.

کلید واژه‌ها: زبان بدن، روایت، شخصیت‌پردازی، ارتباط، داستان

کلیات

فصل اول

۱-۱- مسئله تحقیق

ارتباط عبارت است از فرایند تولید، ارسال، دریافت و درک پیام که معمولاً میان افراد به دو صورت کلامی و غیرکلامی برقرار می‌شود. ارتباط غیرکلامی عبارت است از کلیه پیام‌هایی که افراد با رفتار، حالات، ایماها، اشارات، ویژگی ظاهری، رنگ، بو، مصنوعات، محیط، زمان، مکان و... انتقال می‌دهند.

از ارتباطات غیرکلامی تقسیم‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است که به طور گسترده در روایت آثار داستانی نمود پیدا می‌کنند. هرکدام از انواع ارتباطات غیرکلامی هم به صورت مستقیم، یعنی بدون وجود کلام تعامل ایجاد می‌کنند و هم در کنار روابط کلامی کارکردهای تکمیلی، تأکیدی، متعارض، کنترل تعامل و... دارند.

در این پایان‌نامه ضمن معرفی انواع ارتباطات غیرکلامی و بیان جایگاه آن در ادبیات داستانی بر پیوند آنها با عناصر داستان توجه شده است. همچنین ابزارها و شگردهای ارتباطات غیرکلامی که مصطفی مستور از آنها برای ایجاد ارتباط با خوانندگان و انعکاس روابط میان فردی و درون فردی شخصیت‌های داستان‌هایش بهره گرفته است، شناسایی، طبقه‌بندی و معرفی می‌گردند.

۱-۲- ضرورت و هدف تحقیق

داستان یکی از رایج‌ترین و پر طرفدارترین قالب‌های ادبیات فارسی به ویژه در دوره معاصر است. مصطفی مستور از داستان نویسان معاصر است که برخی از آثار داستانی‌اش به چاپ سی و سوم (داستان «روی ماه خداوند را ببوس») هم رسیده است و در جشنواره‌های مختلف ادبی (مسابقه داستان‌نویسی صادق هدایت، جایزه ادبی اصفهان) نیز جوایزی دریافت کرده است. این موفقیت‌های او حاکی از مقبول واقع شدن جهان داستانی است که این نویسنده در داستان‌هایش خلق کرده است.

یکی از حوزه‌های نوپای علم ارتباطات، ارتباطات غیرکلامی است که دامنه وسیعی را شامل می‌شود. از طریق این نوع ارتباط پیام‌ها و اطلاعات ارزشمندی در جریان تعامل ارائه می‌شود.

تحقیق حاضر تلاشی است که سعی دارد با نگاه میان رشته‌ای به تحلیل ارتباطات غیرکلامی، مقوله‌ها و پیام‌های مربوط به آن در داستان‌های مصطفی مستور بپردازد، تا مشخص کند که مستور چگونه با استفاده از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در کنار ارتباط کلامی به شکل‌دهی عناصر داستانی به خصوص شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، لحن و تعلیق پرداخته است. همچنین نشان داده می‌شود که رفتارهای غیرکلامی در جریان روایت داستان چه نقش‌ها و کارکردهایی را ایفا می‌کنند و مشخص

می‌شود که بخش قابل توجهی از ساختار داستانی را این نوع ارتباط تشکیل می‌دهد که در ارتباط دوسویه؛ ۱- با خوانندگان داستان ۲- با شخصیت‌های داستان قرار دارد.

۳-۱- پرسش‌های اصلی تحقیق

- ۱- ارتباط غیرکلامی چیست و مطالعه آن در آثار داستانی چه اهمیتی دارد؟
- ۲- ارتباطات غیرکلامی در داستان نویسی چه کارکردهایی دارد؟
- ۳- عناصر ارتباطات غیرکلامی در شخصیت‌پردازی داستان‌های مستور چه نقش‌هایی را ایفا می‌کنند؟
- ۴- مصطفی مستور از چه ابزارها و شگردهایی برای روایت غیرکلامی بهره می‌گیرد؟
- ۵- کدام نوع از نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور چشمگیرتر است؟

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

- با توجه به روش این پایان‌نامه که تحلیلی است چنین فرضیه‌هایی را می‌توان ارائه کرد:
- ۱- ارتباطات غیرکلامی بخش قابل توجهی از روایت داستان را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت عناصر داستانی به ویژه در شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی و لحن ایفا می‌کند.
 - ۲- تأکید، تکمیل و جایگزینی از مهمترین کارکردهای ارتباطات غیرکلامی است.
 - ۳- ارتباطات غیرکلامی، نوع رفتار، احساسات، فرهنگ و هنجارهای مورد پذیرش شخصیت‌ها را آشکار می‌کنند.
 - ۴- مصطفی مستور انواع رفتارهای آوایی، رفتارهای چهره، اشارات و... را در داستان‌هایش به کار برده است.
 - ۵- به نظر می‌رسد از میان ارتباطات غیرکلامی رفتارهای چهره و آواها در داستان‌های مستور کاربرد بیشتری دارند.

۵-۱ - روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و اطلاعات گردآوری شده با استفاده از علوم ارتباطات و نشانه‌شناسی با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش در هر قسمت مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی توضیح داده می‌شود و سپس مصادیق آنها در داستان‌ها همراه با پیام و نقشی که در روایت داستان دارند تحلیل می‌شود. در فصل‌های سوم، چهارم و پنجم تمام داستان‌های مستور که در قلمرو تحقیق معرفی می‌شوند بررسی شده است. در فصل دوم و ششم سه داستان بلند «روی ماه خداوند را ببوس»، «استخوان خوک و دست‌های جذامی» و «من گنجشک نیستم» اساس تحلیل قرار گرفته است و از بین تمام داستان‌ها در بخش‌هایی از تحقیق داستان «من گنجشک نیستم» به دلیل قابلیت روایت داستان مورد بررسی قرار گرفته است.

۶-۱ - معرفی آثار مصطفی مستور

مصطفی مستور (۱۳۴۳ش، اهواز) از داستان‌نویسان موقّ معاصر است که داستان‌هایش در دهه گذشته مور استقبال خوانندگان و منتقدان قرار گرفته است. او از سال ۱۳۶۸ با چاپ داستان کوتاه «دو چشم خانه خیس» در مجله کیان کار داستان‌نویسی را آغاز کرد [نک: میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۲۵۷]. برخی از آثار مستور به زبان‌های ترکی، عربی، کردی، ایتالیایی و اندونزیایی نیز ترجمه شده است. علاوه بر آثاری که در قسمت قلمرو تحقیق به صورت مجزا معرفی می‌شوند او این آثار را نیز در کارنامه خود دارد:

آثار روایی:

۱- «دویدن در میدان تاریک مین» (نمایشنامه)، نشر چشمه، ۱۳۸۵. ۲- «پرسه در حوالی زندگی» (عکس نگاری)، نشر چشمه - نشر رسش، ۱۳۸۵.

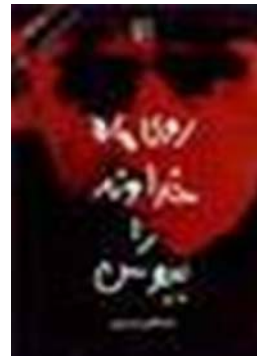
پژوهش: «مبانی داستان کوتاه»، نشر مرکز، ۱۳۷۹.

ترجمه:

۱- «فاصله و داستان‌های دیگر»، ریموند کارور، نشر مرکز، ۱۳۸۰. ۲- «پاکت‌ها و چند داستان دیگر»، ریموند کارور، نشر رسش، ۱۳۸۲. ۳- «سرشت و سرنوشت، سینمای کریستف کیشلفسکی»، مونییا مورر، نشر مرکز، ۱۳۸۶.

۱-۷- قلمرو تحقیق

در این تحقیق تنها آثار داستانی مستور شامل چهار مجموعه داستانی و سه داستان بلند او از منظر ارتباطات غیرزبانی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه این هفت اثر به طور مختصر معرفی می‌شوند:



«روی ماه خداوند را ببوس»، داستانی است با روایت واقعیت‌گرا از زندگی قشر تحصیل کرده و دغدغه‌های گروهی از افراد این قشر از جامعه، از جمله اعتقاد به بودن یا نبودن خدا، ایمان، ناامیدی و... در آن بازتاب پیدا می‌کند. کتاب در بیست بخش، در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است. زاویه دید من‌راوی است. نویسنده در این اثر افکار دینی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و... خود را به وضوح از زبان شخصیت‌های داستان بیان می‌کند که بر پایه سه محور اصلی شک و عدم قطعیت، تنهایی و یأس، بنیان نهاده شده است. عدم قطعیت یکی از ویژگی‌های مهم انسان مدرن است. انسانی که نسبی بودن بخش مهم باور او را تشکیل می‌دهد. تنهایی که امروز مهمترین حس مشترک مردم دنیا است، در این داستان نسبت به دو محور دیگر، تقریباً کمرنگ شده است. تمام فراز و فرودهای این داستان مبتنی بر تردیدهای یونس شخصیت اصلی داستان است. دغدغه‌های شخصیت‌های داستان - همچون آثار دیگر مستور- در داستان‌های «زلزله» و «تکوین فعل خداوند» تکرار می‌شوند. داستان پیرنگی باز دارد و تا حدی از معنای خطی و ثابت فاصله می‌گیرد و مخاطب با توجه به خوانشی که از داستان داشته است، همچنین پیش زمینه ذهنی خود برداشت‌های متفاوتی می‌تواند داشته باشد؛ البته نویسنده خط فکری خود را با انتخاب عنوان داستان از همان ابتدا لو می‌دهد و در جای‌جای داستان از زبان شخصیت «علیرضا» و «سایه» به این باور تأکید دارد. مستور در این داستان و دو داستان بلند که در ادامه معرفی می‌شوند نسبت به مجموعه‌های داستانی، به جزئیات توجه زیادی نشان داده است.



«استخوان خوک و دست‌های جذامی» روایت زندگی چند خانواده ساکن در یک مجتمع آپارتمانی

است. داستان، روزمرگی‌های زندگی آدم‌های جامعه را منعکس می‌کند. این اثر مستور برگزیدهٔ جایزهٔ ادبی اصفهان به عنوان بهترین داستان سال ۱۳۸۳ شده است. مستور نام کتاب را از آموزه‌های دینی گرفته و در روایتی داستانی برای مخاطبان به نمایش گذاشته است. داستان حکایت ملموسی از زندگی انسان معاصر در دنیای متشنج پیرامون است. شعار و برهان‌های مستقیم دربارهٔ روش درست زندگی در آن کمتر است که این عامل می‌تواند یکی از دلایل استواری داستان باشد. چاپ هفدهم این اثر در بهار ۱۳۸۹ از سوی نشر چشمه منتشر شده است.



داستان «من گنجشک نیستم» با حضور راوی در یک مرکز بازپروری روانی آغاز می‌شود. ماجرای این داستان مانند داستان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» در فضایی آپارتمانی جریان دارد. کتاب در نقد انسان‌هایی است که زندگی نمی‌کنند بلکه فقط روزها را می‌گذرانند. داستان روایتی است از موقعیت بغرنج انسان‌هایی که با تأمل در مسئله‌ای از زندگی (مرگ، کشتار، عشق و...) دچار عدم تعادل روانی شده‌اند. شخصیت‌های داستان از اوضاع جامعه و موقعیت خود ناخوشنودند و در زندگی آنان حضور بختک‌وار یک تقدیر فاجعه‌آمیز مشاهده می‌شود، به طوری که هر کدام از آنان به نوعی میل به گریز از خود دارند «دانیال نازی» با دیدن افراد جامعه از آدم بودن گریزان است، «ابراهیم» از زندگی خود فرار می‌کند و مدام در فکر همسر

و فرزند از دست داده‌اش است، «کابلی» هم مثل «ابراهیم» زندگی اکنون خود را فراموش کرده است و... داستان دارای کاراکترهای محدودی است؛ شخصیت‌هایی که اسامی آنان همچون رفتاریشان عجیب است. برخی از شخصیت‌های آن دانیال نازی، کوهی، یاقوت آسیابان، مخمل، تاجی خوشگله هستند که کوهی، مخمل، یاقوت و امیر ماهان در نمایشنامه «دویدن در میدان تاریخ مین» هم حضور دارند. چاپ دوم این اثر در خرداد ۱۳۸۸ منتشر شده است.



«عشق روی پیاده رو» مجموعه داستانی است با دوازده داستان کوتاه که عبارت اند از: «دو چشم‌خانه خیس» «مثل یک قاصدک»، «بعد از ظهر سبز»، «شب‌های یلدا»، «مردی که تا زانو در اندوه فرو رفت»، «عشق روی پیاده رو»، «آرزو»، «چند خط کج و کوله بر دیوار»، «آن مرد داس دارد»، «هل من محیض؟»، «زلزله» و «مهتاب». داستان کوتاه «دو چشم‌خانه خیس» روایت یک نامه است و شباهت به داستان کوتاه «کشتار» از مجموعه «چند روایت معتبر» دارد. داستان‌های «آرزو» و «مهتاب» درون‌مایه یکسانی دارند که با الهام از خاطرات کودکی نویسنده نوشته شده‌اند. اگر چه نشانه‌هایی از فقر در آنها وجود دارد ولی حس معصومیت و سادگی دنیای کودکانه بر آن غلبه دارد. نام داستان کوتاه «هل من محیض؟» بخشی از آیه سی و ششم سوره ق است. روایتی از بازخواست آدم‌ها در جهان دیگر است که البته خالی از طنز نیست. چاپ هفتم این اثر در بهار ۱۳۸۸ منتشر شده است.



مجموعه داستان کوتاه «عشقی بی قاف بی شین بی نقطه»، شش داستان کوتاه دارد شامل: «مردی که تا پیشانی در اندوه فرو رفت»، «چند روایت معتبر درباره اندوه»، «چند روایت معتبر درباره کشتن»، «سوفیا»، «چند روایت معتبر درباره خداوند» و «حکایت عشقی بی قاف بی شین بی نقطه». «سوفیا» داستان جالبی است از شیطنتهای پسر بچه‌های محله‌ای قدیمی با پایانی تلخ، چرا که بچه‌ها سر به سر بزرگترها می‌گذارند و آنان گفته‌های بچه‌ها را به حدی جدی می‌گیرند که فردی به خاطر عشق کشته می‌شود. با اینکه داستان با الهام از ماجراهای دوران کودکی است، ولی به خوبی نشان می‌دهد که موضوع تنهایی افراد جامعه فقط مختص زمان حال نیست. آخرین داستان این مجموعه روایتی از گفتگوی اینترنتی دو نفر است که با حرف‌های ساده آغاز می‌شود و به عشق می‌رسد و در آخر به جدایی ختم می‌شود. چاپ چهاردهم این اثر در بهار ۱۳۸۹ منتشر شده است.



«چند روایت معتبر درباره سوسن»، «من دانای کل هستم»، «مغول‌ها»، «و ما آدریک ما مریم؟»، «ملکه الیزابت»، «مشق شب» و «دوزیستان» هفت داستان کوتاه مجموعه داستانی «من دانای کل هستم» را تشکیل می‌دهند. داستان کوتاه «ملکه الیزابت» در ادامه داستان‌های «سوفیا»، «مهتاب» و «آرزو» قرار دارد. این مجموعه داستانی در سومین دوره جشنواره قلم زرین - ۱۳۸۴ مورد تقدیر قرار گرفته است. و داستان کوتاه «من دانای کل هستم» که روایتی از شیوه داستان نویسی مصطفی مستور است، برنده

لوح تقدیر از نخستین مسابقه داستان‌نویسی صادق هدایت در سال ۱۳۸۱ شده است. عنصر مسلط در ساختار داستان‌های این مجموعه عشق است؛ روایتی از عشق دوران کودکی و عشق دوران بزرگسالی.



مستور در مجموعه داستانی «چند روایت معتبر» هفت داستان کوتاه، «چند روایت معتبر درباره عشق»، «چند روایت معتبر درباره زندگی»، «چند روایت معتبر درباره مرگ»، «مصائب چند چاه عمیق»، «در چشم‌ها شنا می‌کنم و در دست‌ها می‌میرم»، «کیفیت تکوین فعل خداوند» و «کشتار» را ارائه کرده است. آخرین داستان این مجموعه ماجرای نامه نگاری بین «یوسف» و «مونس» است که فقط یک بار همدیگر را در قطار می‌بینند و پس از آن با نامه‌هایی که بینشان رد و بدل می‌شود عاشق هم می‌شوند ولی در انتها از هم جدا می‌شوند و دلیل این جدایی هم مانند دلیل جدایی در داستان «چند روایت معتبر درباره عشق» و جدایی «مهتاب» و «دکتر پارسا» در «روی ماه خداوند را ببوس» است.

۸-۱- ویژگی‌های داستان‌های مصطفی مستور در یک نگاه

۱- داستان‌های مستور پرحجم نیستند؛ این ویژگی با سبک داستان‌نویسی او که بیشتر به روایت زندگی انسان معاصر می‌پردازد و با مخاطبان امروزی که دارای مشکل زمان‌اند تناسب دارد. قطع آثار او رقعی است. عنوان کتاب‌هایش یا یک عبارت است چون «استخوان خوک و دست‌های جذامی»، «چند روایت معتبر» و یا یک جمله است مانند: «من گنجشک نیستم»، «من دانای کل هستم»، «روی ماه خداوند را ببوس». عنوان داستان‌ها، یا به طور مستقیم از دیالوگ‌های شخصیت‌ها انتخاب شده و یا در میان متن گنجانده شده است و در مجموعه‌های داستانی از عنوان یکی از داستان‌های کوتاه گرفته شده است.

۲- مستور معمولاً در ابتدای برخی از داستان‌ها با جمله‌ای داستانش را به همسر و دوستان خود تقدیم کرده است. آغاز داستان‌ها، با جملات کوتاه سه یا چهار کلمه‌ای و با ضرب آهنگ بالا آغاز می‌شود. ابتدای داستان‌ها گویی برشی از وسط متن است که خواننده ناگهان در آن پرتاب می‌شود.

۳- داستان‌های «سوفیا»، «ملکه الیزابت»، «مشق شب»، «آرزو» و «مهتاب» مربوط به روایت دوران کودکی است. به طور کلی «داستان‌های کودکان و نوجوانان دو بخش‌اند: ۱- از دید بزرگسالان با نوستالوژی و حسرت گذشته؛ ۲- از دید کودک و نوجوان» [تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۱] این داستان‌های مستور در دسته اول قرار می‌گیرند. داستان‌های دیگر به صورت گسترده منعکس کننده درد و رنج‌های زندگی انسان دوران معاصر است، گویی مستور با جای دادن این داستان‌ها در میان آثارش - که بخش قابل توجهی از آثارش را شامل می‌شود - خواسته راهکاری برای مقابله با مشغله‌ها و کشمکش‌های افراد امروز ارائه کند و آن اینکه، بزرگسالان برای فرار از مشکلات و درگیری‌های روزمره زندگی به دوران کودکی پناه ببرند.

۴- عناصر مسلط در آثار مستور را می‌توان در چند واژه عمده خلاصه نمود: مرگ، زن و عشق، آفرینش و اندوه. تقریباً در تمام داستان‌های او نگرش ویژه‌ای نسبت به زنان وجود دارد او حتی در زندگی فاحشه‌ها نیز نوری متصور است که آنان را هدایت می‌کند مانند شخصیت «سوسن»، «پوری» و...

عنصر مرگ در ذهن و رفتار و گفتار اکثر شخصیت‌ها سایه افکنده است. درک شخصیت‌ها از مرگ بیشتر ماتریالیستی است تا اینکه ناشی از مرگ‌آگاهی معنوی باشد (به جز چند شخصیت در داستان «روی ماه خداوند را ببوس»).

۵- در هر داستانی که عنوانی مجزا به آن تعلق می‌گیرد انتظار می‌رود ساختار، موضوع و نگاه تازه‌ای برای خوانندگان داستان ارائه شود، در حالی که به غیر از چند داستان بقیه داستان‌های مستور سریال‌وار در ادامه هم روایت می‌شوند اگر چه در مجموعه‌های جداگانه باشند مانند «چند روایت معتبر درباره سوسن» که در داستان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» ادامه می‌یابد، «چند روایت معتبر درباره مرگ» در داستان کوتاه «در چشم‌ها شنا می‌کنم و در دست‌ها می‌میرم» و نمودی از مضامین داستان بلند «روی ماه خداوند را ببوس» در داستان‌های «چند روایت معتبر درباره عشق» و «کیفیت تکوین فعل خداوند» وجود دارد. بعضی از داستان‌های کوتاه چون «چند روایت معتبر درباره زندگی» و «مصائب چند چاه عمیق» از چند داستانتک تشکیل شده‌اند.